

The model of cultural diplomacy in the view of the Supreme Leader

Zahrasadat Ghazizadehhashemi

Member of the academic staff of Islamic Azad University, Mashhad branch, Mashhad, Iran.

z.s.gh.hashemi@gmail.com

0000-0000-0000-0000

Abstract

Cultural diplomacy is one of the branches of diplomacy in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. This branch of diplomacy has been very important because of the importance of soft power in the post-Cold War era. After the victory of the Islamic Revolution, foreign policy decision makers have emphasized on changing the soft regional and global order by using soft power tools and cultural and public diplomacy. The Supreme Leader has a high position in the speech and behavior system of foreign policy due to his high influence weight and decisive role in the foreign policy directions. His point of view in relation to one of the most important branches of foreign diplomacy, which is cultural diplomacy in this text, is of great research importance. The question of the upcoming research is, what is the Supreme Leader's point of view regarding cultural diplomacy? The hypothesis of the present research to answer the mentioned question is that the opinion of the Supreme Leader in relation to cultural diplomacy can be summarized in three categories: positive, negative and learning. The research method of the upcoming article is descriptive-explanatory and the method of collecting library and documentary materials

Keywords: Supreme Leader position, Cultural diplomacy, Soft war, Learning dimension, Iranophobia, Software orientation.

مقاله پژوهشی**الگوی دیپلماسی فرهنگی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای****زهرالسادات قاضی‌زاده هاشمی**

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران.

z.s.gh.hashemi@gmail.com

0000-0000-0000-0000

چکیده:

دیپلماسی فرهنگی یکی از شاخه‌های دیپلماسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. این شاخه از دیپلماسی به دلیل اهمیت قدرت نرم در دوره پساجنگ سرد از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده است. تصمیم‌سازان سیاست خارجی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تغییر نظم نرم‌افزاری منطقه‌ای و جهانی با استفاده از ابزارهای نرم قدرت و دیپلماسی فرهنگی و عمومی تأکید داشته‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به وزن تأثیرگذاری بالا و نقش تعیین‌کننده در جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی از جایگاه بالایی در منظومه گفتاری و رفتاری سیاست خارجی برخوردار هستند. دیدگاه ایشان در ارتباط با یکی از مهم‌ترین شاخه‌های دیپلماسی خارجی که در این متن دیپلماسی فرهنگی است از اهمیت پژوهشی بسیار بالایی برخوردار است. سؤال پژوهش پیش‌رو این است که دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در ارتباط با دیپلماسی فرهنگی چیست؟ فرضیه پژوهش حاضر جهت پاسخ به سؤال مذکور این است که دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در ارتباط با دیپلماسی فرهنگی را می‌توان در سه دسته ایجابی، سلبی و یادگیری خلاصه نمود. روش پژوهش مقاله پیش‌رو توصیفی - تبیینی است و روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد.

واژگان اصلی: سیدعلی خامنه‌ای، دیپلماسی فرهنگی، جنگ نرم، بُعد یادگیری، ایران‌هراسی، نرم‌افزارگرایی.

دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی CC BY 4.0

Doi: 10.22034/IRJSJ.2024.426942.1021

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برابر نظم بین‌المللی موجود، کارگزاران سیاست خارجی از قدرت تأثیرگذاری متنوعی برخوردار هستند. آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار بر جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی از وزن تأثیرگذاری بالایی در سیاست خارجی برخوردار هستند. نظرها و ایده‌های راهبردی ایشان در مسائل اساسی و راهبردی سیاست خارجی همواره گره‌گشای معماها و بن‌بست‌های روابط خارجی و چگونگی برخورد با مسائل روز سیاست جهانی بوده است. مفهوم‌پردازی‌های بدیع و مبتکرانه در کنار رویکردهای کاربردی ایشان در مسائل سیاست خارجی در پژوهش‌های مختلف محققان داخلی و خارجی بررسی و مطالعه شده است.

رویکرد نرم‌افزاری و فرهنگی آیت‌الله خامنه‌ای که ریشه در نگاه جایگاه بلند قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و هویت اسلامی - انقلابی آن در پازل سیاست جهانی دارد، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. در الگوی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران سیاست خارجی به‌لحاظ اسلامی و انقلابی بودن آن تنها از راه دیپلماسی همه‌جانبه و از جمله دیپلماسی فرهنگی می‌تواند جهانی شود؛ زیرا آنچه ماهیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را شکل می‌دهد جوهره فرهنگی آن است؛ بنابراین هدف‌ها و سازوکارهای فرهنگی در سیاست خارجی کشور تقدم و اولویت ویژه‌ای دارند. در دیپلماسی فرهنگی نفوذ حاصل از برقراری روابط فرهنگی با عموم افراد یا شهروندان یک کشور از راه ارتباطات نوین و رسانه‌های دسته‌جمعی حاصل می‌گردد که طی آن‌ها تلاش می‌شود تا تصویر خوب و مناسب و حتی ایدئالی از یک کشور در جهان ترسیم گردد. به این ترتیب اشتیاق همکاری افراد با این کشور به شکل داوطلبانه در خارج از مرزهای آن بدون استفاده از طرق سخت‌افزارانه فراهم می‌شود (خرازی، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

رسالت و تعهدات جمهوری اسلامی ایران به سطح ملی یا منطقه‌ای محدود نمی‌شود بلکه هدف اساسی آن همه ملت‌های اسلامی و فراتر از آن تمام ملت‌ها و دولت‌ها هستند. این ویژگی الگوی دیپلماسی فرهنگی ایران را از سایر کشورها متمایز می‌سازد. همچنین هدف آن فقط معطوف به هدف‌ها مادی نیست بلکه به تبع هدف‌های معنوی معنا و مفهوم می‌یابد (میرفخرایی

و فیروزمندی بندپی، ۱۳۹۶: ۴۳۴). رویکرد نرم‌افزاری آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به سیاست جهانی از پیچیدگی و ظرافت مفهومی بالایی برخوردار است و در این پژوهش نگارنده به دنبال بررسی رویکرد دیپلماسی فرهنگی در نگاه راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. سخنرانی‌ها و بیانات در مناسبت‌های مختلف و موضع‌گیری‌ها مبنای استناد به رویکرد ایشان در ارتباط با مفهوم دیپلماسی فرهنگی محسوب می‌شوند.

سؤال مقاله پیش‌رو این است که دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در ارتباط با دیپلماسی فرهنگی چیست؟ فرضیه پژوهش حاضر جهت پاسخ به سؤال مذکور این است که دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در ارتباط با دیپلماسی فرهنگی را می‌توان در سه دسته ایجابی، سلبی و یادگیری خلاصه نمود. روش پژوهشی مقاله پیش‌رو توصیفی - تبیینی است و روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. پژوهش حاضر از سه بخش تشکیل شده است: بخش اول مقاله را چهارچوب مفهومی تشکیل می‌دهد. در بخش دوم دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بررسی می‌شود و در بخش پایانی الگوی نظری دیپلماسی فرهنگی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای تبیین می‌گردد.

۱. پیشینه پژوهش

در چهارچوب مطالعه پیش‌رو آثار پژوهشی متعددی به چاپ رسیده‌اند که هریک از آنها به بُعدی از منظومه مسائل دیپلماسی فرهنگی پرداخته‌اند. هدایتی شهیدانی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «معیارهای تقویت‌کننده دیپلماسی فرهنگی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله تعالی)» به دنبال پاسخ به این سؤال است که با توجه به رهنمودهای آیت‌الله خامنه‌ای دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چگونه و با چه معیار و راهکاری تقویت می‌شود؟ برای پاسخ این سؤال نویسندگان فرضیه زیر را به آزمون می‌گذارد: احصاء و فعال‌سازی مؤلفه‌های تمدنی قدرت‌آفرین در بستر دیپلماسی فرهنگی زمینه ارتقاء عملکرد و تحقق اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران در عصر جهانی‌شدن است. سیمبر (۱۳۹۶) در مقاله «انقلاب اسلامی و دیپلماسی فرهنگی: از نظریه تا عمل»، به دنبال اثبات گزاره ذیل است که جمهوری اسلامی ایران توانایی‌های زیادی در این خصوص دارد که به شرط توانمندی‌های درونی و استفاده بهینه از مؤلفه‌های فرهنگی می‌تواند به ارتقای مؤلفه‌های قدرت نرم در دیپلماسی ایرانی و درنهایت منافع ملی کمک کند.

یاری فومنی و خرمشاد (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «دیپلماسی فرهنگی انقلاب اسلامی در حوزه روابط فرهنگی بین‌المللی» هدف از نگارش این اثر توسط نگارندگان پژوهش این بود تا راهبردهای قوای مجریه در جمهوری اسلامی ایران را در دوره‌های مختلف و متناسب با گفتمان‌های آن‌ها مورد مطالعه و بررسی قرار دهند. به باور آن‌ها هرچند دیپلماسی فرهنگی در جمهوری اسلامی تنها در قوه مجریه خلاصه نشده است و نهادهای گوناگونی در این امر تشریک مساعی می‌کنند. نهادهایی که برخی ذیل قوه مجریه و برخی ذیل آیت‌الله خامنه‌ای عمل می‌کنند.

«مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» عنوان پژوهشی است که به قلم قربانی گلشن‌آبادی و محمدی (۱۳۹۶) نوشته شده است. در این پژوهش سؤال اصلی این است که دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران واجد و حامل چه مؤلفه‌هایی است؟ و کدام‌یک از مؤلفه‌ها از اهمیت بالاتری برخوردار است؟ فرضیه پژوهش عبارت است از اینکه مؤلفه‌های ارزشی پیشی، مهم‌ترین دسته از مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی به‌شمار می‌آیند.

قبرلو (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه بین‌المللی ایران»، به دنبال پاسخ به سؤال ذیل است که چرا دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نتوانسته در بهبود جایگاه بین‌المللی ایران تأثیر چشمگیری داشته باشد. در پاسخ به این پرسش، نویسنده به مشکلات و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران می‌پردازد. فقدان راهبرد منسجم، غفلت از بخش خصوصی، ضعف کارگزاران دولتی، غلبه نگاه ایدئولوژیک و تعدد نهادهای سیاست‌گذاری مهم‌ترین عوامل دخیل در تضعیف دیپلماسی فرهنگی کشور هستند.

سمانه‌سادات و حاتمی (۱۳۹۵) در تحقیقی با استفاده از روش تحلیل محتوا به تبیین دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی در ارتباط با دیپلماسی فرهنگی پرداخته‌اند. نویسندگان تحقیق در پایان و در بخش جمع‌بندی به این دستاورد نظری رسیدند که چستی دیپلماسی فرهنگی از دیدگاه رهبری انقلاب حکمت اسلامی و دیپلماسی فطری را شامل می‌شود که در نتیجه با بهره‌مندی از حکمت اسلامی و بهره‌گیری از دیپلماسی فطری کیفیت دیپلماسی فرهنگی افزایش خواهد یافت. در پژوهش پیش‌رو نگارنده به دنبال تبیین دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی در چهارچوب نگاهی مفهوم‌شناسانه است تا در سایه آن به الگویی از بینش ایشان در ارتباط با دیپلماسی فرهنگی دست پیدا کند.

۲. چهار چوب مفهومی

مفهوم دیپلماسی فرهنگی ذیل دیپلماسی عمومی به بقای نظری خود ادامه داده است. دو مفهوم دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی بر گفت‌وگو تأکید دارند و دانشمندانی مانند میلسن دیپلماسی فرهنگی را بخشی از دیپلماسی عمومی می‌دانند (Melissen, 2007: 23). دیپلماسی فرهنگی در قرن نوزدهم از سوی دولت فرانسه ابداع شد. ابزار دیپلماسی و مشتقات مفهومی آن در سیاست جهانی در دوره پسا از جنگ سرد از جایگاه بالایی برخوردار شده است. دیپلماسی عمومی طراحی و برنامه‌ریزی راهبردی به همراه اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و اطلاع‌رسانی توسط یک کشور مبدأ برای ایجاد محیط افکار عمومی پشتیبان در یک کشور یا کشورهای مقصد یا هدف می‌باشد، به طوری که بتواند پشتیبانی و حمایت مردم و رهبران سیاسی کشور هدف کسب شود. این دیپلماسی ترکیبی از فناوری‌های نوین ایده‌های جدید توانایی شبکه‌ای، بازیگران غیردولتی و استقرار روابط پویا با جامعه مدنی جهانی است که مخاطب آن نه تنها دولت‌ها بلکه شهروندان عادی نیز می‌باشند و کاربست آن باعث افزایش قدرت نرم یک کشور و توسعه نفوذ آن در عرصه جهانی می‌گردد (دهشیری، ۱۳۹۳: ۱۴). دیپلماسی فرهنگی به بُعد نرم‌افزاری و فرهنگی تعامل بین دولت‌ها و ملت‌ها با یکدیگر اشاره دارد. فرانک نینکوویچ دیپلماسی فرهنگی را تلاش برای ارتقای سطح ارتباطات و تعامل میان ملل جهان با هدف طراحی و بنیاد نهادن تفاهم‌نامه‌ها و توافقاتی بر اساس ارزش‌های مشترک می‌داند (Ninkovich, 1996: 3).



منبع: (اژدری، ۱۳۹۶: ۷۰)

شکل (۱): شاخه‌های اجرایی دیپلماسی فرهنگی

۳. جایگاه دیپلماسی فرهنگی در منظومه ابزارهای قدرت

امروزه با توجه به درهم‌تنیدگی روابط بین‌الملل تنها استفاده از ابزارهای قدرت سخت کفایت نمی‌کند و باید از قدرت نرم نیز استفاده شود. قدرت نرم در واقع توانایی متقاعدسازی از طریق فرهنگ، ارزش‌ها و اندیشه‌ها می‌باشد که برخلاف قدرت سخت که از طریق نظامی و اعمال سلطه و زور به دست می‌آید از طریق گفت‌وگو و مذاکره حاصل می‌شود (سیمبر، ۱۳۹۶: ۵۰). دیپلماسی سنتی یا رسمی از میان دیپلماسی‌های ذکر شده شناخته‌ترین است. دیپلماسی رسمی عهده‌دار پیام‌های اشکار و دنبال کردن هدف‌های روشن در روابط میان کشورها است. این دیپلماسی در قبال روابط موسوم به روابط میان‌ملت‌ها پاسخگو نیست و در راه تأمین منافع دولت کشور اعزام‌کننده نزد دولت مقصد اقدام می‌کند. افراد مشخصی در نقش حامل این نوع کارکرد وارد می‌شوند و تحت عنوان دیپلمات از مجاری معین دولتی روابط میان دولت‌ها را پی می‌گیرند و طی آن نهادها و مجاری رسمی و دولتی را در کشور مقصد طرف توجه دارند تا مخاطبان عمومی و ملت‌ها (خرازی محمدوندی آذر، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

سابقه دیپلماسی فرهنگی کشورهای بزرگ غربی به چند قرن قبل و آغاز دوره استعمار امپراتوری‌های اروپایی در سرزمین‌های آسیایی و آفریقایی بازمی‌گردد. در واقع ایجاد مراکز مطالعات و پژوهش‌های شرق‌شناسی در انگلستان و فرانسه از قرن هفدهم به بعد به‌منظور شناخت خصوصیات جوامع شرقی و آمادگی بیشتر دولت‌های استعماری برای گسترش نفوذ فرهنگی و سیاسی و اقتصادی آن‌ها در جوامع دیگر صورت گرفته است. تربیت دیپلمات، محققان و متخصصان و حتی سیاحان آشنا به فرهنگ و زبان و ادبیات ملل شرق برای اعزام به سرزمین‌های یاد شده نیز در تدارک زمینه‌های مناسب برای تسلط مستقیم یا غیرمستقیم بر این سرزمین‌ها مورد توجه بوده است (خرازی محمدوندی آذر، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

دیپلماسی فرهنگی دربرگیرنده مفاهیم تاریخی آداب و رسوم سنت‌ها و سایر عناصر فرهنگی است. دیپلماسی عمومی تلاش بازیگران عرصه بین‌الملل برای تعامل با مردم دیگر کشورها است (Cown & Cull, 2009: 145). دیپلماسی عمومی تلاش دارد ضمن حمایت از سیاست‌ها و دیدگاه‌های یک کشور تصویری واقعی و مطلوب از آن را در اذهان مردم عادی سایر کشورها ایجاد کند (Henrikson, 2007: 3). دیپلماسی فرهنگی در کمتر برهه‌ای از تاریخ مناسبات دیپلماتیک چون دهه اخیر مدنظر قرار گرفته است. علت این امر از حاشیه به متن آمدن گفتمان فرهنگ در مباحث راهبردی و سیاسی دنیای بعد از جنگ سرد است. کارگزاران

دیپلماسی فرهنگی و نیروهای پیش‌برنده طرح‌های فرهنگی به‌منظور تأثیرگذاری نرم بر افکار عمومی عبارت‌اند از: بخش عمومی، جامعه مدنی، بخش خصوصی و کارگزاران دولتی. در منظومه ابزارهای اعمال نفوذ و تأثیرگذاری دیپلماسی فرهنگی در قالب ابزارهای قدرت نرم و تأثیرگذاری بر افکار و اندیشه‌های از طریق تأثیرگذاری فرهنگی و ارزشی تعریف می‌شود. دیپلماسی فرهنگی با افزایش زمینه گفت‌وگو با مخاطبان خارجی و ایجاد بافت موقعیتی بین‌المللی توانا، وظیفه راهبردی خود را در راه ارتقاء منافع ملی واقعی در صحنه بین‌المللی به انجام می‌رساند. همان‌طور که لئونارد و استید تشریح می‌کنند دیپلماسی فرهنگی چیزی بیش از فریفتن ساده عموم و جلب‌نظر دولت‌ها است. فلسفه دیپلماسی فرهنگی دستیابی به نتایج است (Leonardo & Stead, 2002: 47).

۴. اهداف دیپلماسی فرهنگی

قدرت‌های بزرگ دیپلماسی فرهنگی را ابزاری جهت تقویت نفوذ نرم خود قرار داده‌اند؛ به‌عنوان مثال هدف از میان دیپلماسی عمومی که آمریکایی‌ها مبتکرانند و دیپلماسی رسانه‌ای که آمریکا نیز در آن پیشگام است از یک‌سو و دیپلماسی فرهنگی که ابداع فرانسوی‌ها است از سوی دیگر نقطه مشترکی وجود دارد و آن آموزش و استفاده از این عنصر فرهنگی رسانه‌ای در خدمت منافع کشور است (خرازی محمدوندی آذر، ۱۳۸۸: ۱۰۹). تحلیل‌گران آمریکایی در اصل به تبلیغ و ترویج ارزش‌ها و هنجارهای مورد اجماع معتقدند. به‌عبارت‌دیگر ساخت دنیایی با محیطی سازگارتر با منافع آمریکایی. اقدامی کارساز در جهت توسعه تسهیلات و بافت موقعیتی مناسب برای ایالات متحده است (Nye, 2002: 14). استراتژیست‌های وزارت امور خارجه آمریکا از یک‌سو ترجیح می‌دهند با مخاطبان خارجی همدلی کنند و از سوی دیگر برای خود خط‌مشی حمایت بین‌المللی را طراحی می‌کنند.

با توجه به عملکرد قدرت‌های بزرگ جهانی و نحوه استفاده از دیپلماسی فرهنگی در سطح سیاست جهانی می‌توان اهداف ذیل را در زمره اهداف دیپلماسی فرهنگی برشمرد:

- ۱- کسب وجهه بین‌المللی در میان اقوام و ملت‌ها و اثرگذاری بر رفتار آن‌ها؛
- ۲- ایجاد نهادهای علمی و فرهنگی جدید به‌منظور برقراری روابط پایدارتر و صمیمیت بیشتر میان جوامع مختلف؛
- ۳- فهم دقیق اصول موجود در فرهنگ سایر ملت‌ها و کنکاش در ریشه‌های فرهنگی و

اجتماعی دیگر جوامع با هدف ارتقاء درک متقابل میان ملت‌ها (رنجکش، ۱۳۹۵: ۳۴).

۵. سازوکار اجرایی دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی دارای مبانی چندی به شرح ذیل می‌باشد:

۱- شناخت سیاست‌های فرهنگی کشور مبدأ؛

۲- شناخت سیاست‌های فرهنگی کشور مقصد؛

۳- شناخت فرهنگ به‌عنوان قدرت نرم؛

۴- توجه افکار عمومی به‌عنوان زمینه اعمال قدرت نرم؛

۵- توجه به دیپلماسی نوین (رنجکش، ۱۳۹۵: ۳۴).

مبانی فوق را می‌توان از طریق دو مفهوم منطق اجرا و ابزارهای اجرا مورد بسط و توضیح بیشتر قرار داد.

۱-۵. منطق اجرا

بنا به تعریف گیفورد مالون دیپلماسی فرهنگی به معماری یک بزرگراه دوطرفه به‌منظور ایجاد کانال‌هایی برای معرفی تصویر واقعی و ارزش‌های یک ملت و درعین‌حال تلاش برای دریافت درست تصاویر واقعی از سایر ملت‌ها و فهم ارزش‌های آن‌ها تعبیر گردیده است (Malone, 1988: 12). تأثیرگذاری نرم‌افزاری از مسیر تصویرسازی و ادراک‌سازی عبور می‌کند. دستکاری در باورها از طریق ادراک‌سازی مهم‌ترین بعد قدرت در دوره پساجنگ سرد را تشکیل می‌دهد. در منطق بهره‌گیری از دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی انگلستان همواره به بعد ذهن‌گرایی و تصویرسازی توجه می‌شود. انگلیسی‌ها بر این باوراند که دیپلماسی فرهنگی علاوه بر اینکه موجب آشنایی مردم با کشور دیگری می‌شود با خلق ادراک مثبت نسبت به آن قابلیت خرید محصولات انگلیسی ربان تصدیق و رعایت اداب و رسوم و سیاست‌ها به زبان انگلیسی را نیز بالا می‌برد (Leonardo & Stead, 2002: 10).

نفوذ بر روی توده‌های خارجی و آوردن آن‌ها به صحنه بین‌المللی به‌منظور فراهم‌آوردن فشار مؤثر به دولت‌های آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. به‌معنای دیگر، دیپلماسی فرهنگی به یک کشور اجازه می‌دهد تا موافقت یا حمایت مشترک را به‌وسیله تغییر شکل خواسته‌های بخش‌های مهمی از جمعیت خود به‌دست‌آورد. یک متخصص کانادایی این نکته را خیلی شفاف و دقیق خاطر نشان می‌کند: اگر یک پایداری و ایستادگی آغازین از سوی دولت هدف وجود

داشته باشد، این به عهده دیپلماسی عمومی خواهد که اتحادی جدید بین دولت خود و گروه‌های محلی کشورهای هدف ایجاد کند تا به اجرای سیاست تغییر مبادرت ورزد (خرازی محمدوندی آذر، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

۲-۵. ابزارهای اجرا

تصویرسازی و ادراک‌سازی در دیپلماسی فرهنگی از طریق ابزارهای مختلف جمعی به انجام می‌رسد (Gass & Seiter, 2009). مهم‌ترین نمونه‌های ابزارهای دیپلماسی فرهنگی در کشورهای غربی و در کشورهای دیگر از اواخر قرن نوزدهم تاکنون توسط مؤسسات و نهادهای آموزشی و فرهنگی معروف کشورهایی نظیر انگلیس، فرانسه و آمریکا به کار گرفته شده‌اند. سفارتخانه‌ها و کنسول‌گری‌ها نمایندگان دولت‌ها هستند و مؤسسات فرهنگی سازمان‌های مردم‌نهاد رسانه‌ها و افراد نمایندگان دیپلماسی عمومی می‌باشند (Melissen, 2007: 12).

در کنار بهره‌برداری از رسانه‌های جمعی و سفارتخانه‌ها، یکی دیگر از ابزارهای دیپلماسی فرهنگی استفاده از اشتراکات دینی است. در واقع ورود نمایندگان دینی در سفارتخانه‌ها توسط قوانین بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است که عملکرد آن‌ها نمونه‌ای از چگونگی درگیری‌های مذهبی و سیاسی در قلمرو بین‌المللی است و ترکیبی از آرژانس اجتماعی و سیاسی رخ داده است (Agensky, 2017: 21). دین و مذهب بخشی از سنت‌های فرهنگی دولت‌ها است که در عصر جهانی شدن اطلاعات در کنار ارزش‌های سکولار تبلیغ می‌شوند. آمریکایی‌ها پس از اشغال عراق جهت دادن به اذهان جوانان عراقی را هدف خود قرار دادند. رویکرد دیپلماسی آمریکا در عراق عبارت بود از برنامه‌های علمی - آموزشی و برنامه‌های هنری. از جمله این برنامه‌ها می‌توان به برنامه تبادل رهبران جوان عراقی، آموزش زبان انگلیسی، تأسیس دانشگاه آمریکایی سلیمانیه، توانمندسازی زنان برای مشارکت‌های اجتماعی، برنامه‌های آموزش رقص، اجرای کنسرت‌های موسیقی اشاره نمود (گوهری مقدم، ۱۳۹۳: ۱۲۵).



شکل (۲): دیپلماسی فرهنگی و سازوکار اجرایی

۶. دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۶-۱. دیپلماسی فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب توسعه قدرت نرم و تأثیرگذاری ادراکی بر بازیگران دولتی و غیردولتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از دیپلماسی فرهنگی همواره بهره برده است. در سال ۱۳۸۸ در پژوهشی میزان نسبی اعمال قدرت نرم در مناطق مختلف توسط جمهوری اسلامی ایران به دست آمد. این میزان عبارت بود از آفریقا ۵ درصد، اروپا ۱۲ درصد، آمریکای شمالی ۲۰ درصد، آمریکای لاتین ۳ درصد، خاورمیانه ۲۲ درصد، آسیا پاسفیک ۷ درصد و اوراسیا ۲۸ درصد (هرسیچ و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۶۲) در سطح نظری دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را می توان به این صورت تعریف کرد: تلاش برای برقراری و سپس افزایش، ارتقا و گسترش تعاملات، مبادلات و ارتباطات فرهنگی میان ملت ایران و دیگر ملت ها به منظور طراحی، تدوین و اجرای موافقتنامه ها و دستیابی به تفاهم فرهنگی مبتنی بر ارزش ها و فهم مشترک (Ninkovich, 1993: 3).

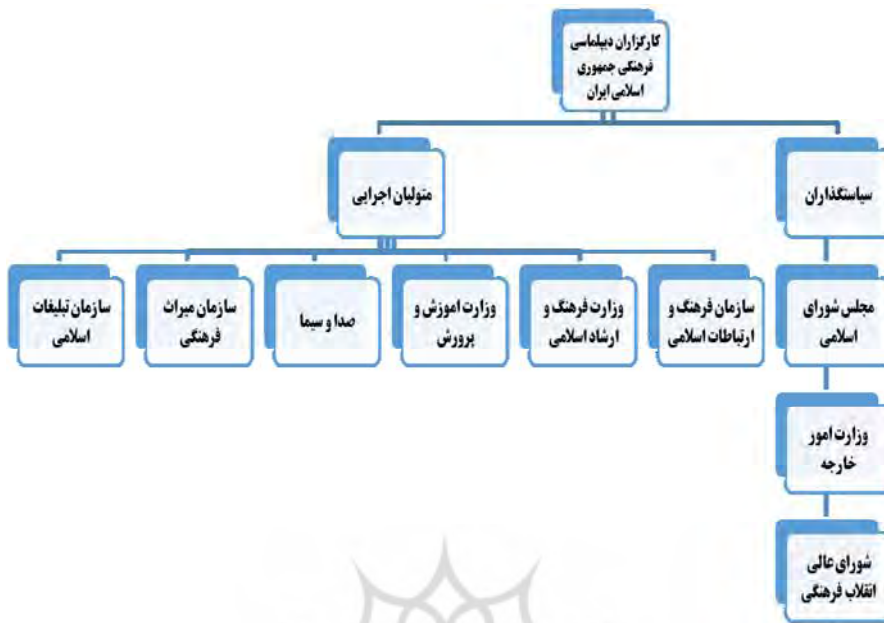
۶-۲. ساختار رسمی دیپلماسی فرهنگی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با پایان یافتن جنگ هشت ساله تحمیلی از سال ۱۳۷۵ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی متولی امر تبلیغی و فرهنگی در کشورهای دیگر گردید، ولی با وجود تلاش هایی برای تبدیل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به ستاد فرماندهی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در حال حاضر شاهد حضور سی نهاد و مؤسسه دولتی و غیردولتی در عرصه فعالیت های فرهنگی خارج از کشور هستیم. این نهادها و

مؤسسات به لحاظ جایگاه قانونی، اهداف و وظایف، تداخل و موازی‌کاری‌های متعددی با یکدیگر دارند. در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه رویه‌ای خلاف گذشته را پیشه خود ساخت. وجود ضعف‌های مختلف در زمینه دیپلماسی فرهنگی زمانی معنا می‌یابد که بدانیم کشورهای قدرتمند امروز برای خود برنامه‌هایی در قالب راهبردهای کوتاه و بلندمدت دارند (Pudaruth, 2017: 10). در برنامه‌های اول دوم و سوم توسعه توجه چندانی به مباحث مرتبط با دیپلماسی فرهنگی نگردید و برنامه‌های فرهنگی بیشتر معطوف به داخل کشور بوده است، ولی این روند در تدوین برنامه چهارم و پنجم توسعه و همچنین سند چشم‌انداز بیست‌ساله توسعه کشور تغییر یافت و مواردی از این برنامه‌ها مرتبط با حوزه دیپلماسی فرهنگی کشور است (اژدری، ۱۳۹۷: ۱۴۲).

در حوزه دستگاه‌های حاکمیتی، نهادهای متولی دیپلماسی فرهنگی بیش از سی نهاد را شامل می‌شود. در این بین حوزه سیاست‌گذاری چهار دستگاه و نهاد وظیفه سیاست‌گذاری، نه دستگاه وظیفه برنامه‌ریزی، نه دستگاه وظیفه نظارتی و هفت دستگاه وظیفه هدایت و حمایت را در عرصه دیپلماسی فرهنگی به عهده گرفتند. در فعالیتهای اجرایی نیز چهارده دستگاه به امر پژوهش و سیزده دستگاه به فعالیت آموزشی مشغول شدند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تیر ۱۳۸۹). جمهوری اسلامی ایران در کشوری مثل پاکستان ۴ نمایندگی سیاسی ولی ۸ نمایندگی فرهنگی داریم. در آلمان ۳ نمایندگی سیاسی و تنها یک نمایندگی فرهنگی وجود دارد (سلیمانی، ۱۳۹۳).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



منبع: (میرزائی، ۱۳۹۸: ۱۶۱)

شکل (۳): ساختار رسمی دیپلماسی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران

۳-۶. جهت‌گیری‌های کلان دیپلماسی فرهنگی

در زبان انقلاب اسلامی انسان پایه اصلی دیپلماسی است و سه شأن قلبی، عقلی و ظاهری دارد. از طرف دیگر انگاره اسلام ناب که مهم‌ترین مبنای زبان انقلاب اسلامی است دارای سه بُعد عدالت، عقلانیت و معنویت است (دهقانی فیروزآبادی و سروش، ۱۳۹۲: ۶). بر اساس آموزه‌های اسلام و زبان انقلاب اسلامی هدف و غایت دیپلماسی فرهنگی دعوت ملت‌ها و دولت‌ها به تعالیم نجات بخش الهی بوده که دربردارنده ارزش‌ها اخلاق و سعادت بشریت است (ستوده، ۱۳۸۸: ۴۴۵).

زبان انقلاب اسلامی در این لایه رویکردی فکری - فرهنگی دارد و بر پایه دیپلماسی سطح اول که مبتنی بر تبلیغات دیپلماسی عمومی - فطری را به اجرا درآورده است، می‌کوشد چهارچوبی نظری - عقلانی برای تبلیغات ارائه کند تا آن را تبدیل به فرهنگ نماید. به عبارتی تبلیغات را با تعلیمات همراه می‌سازد. در سطح سوم دیپلماسی که از جنس تربیت است و یا به تعبیر امام (رحمت‌الله‌علیه) تزکیه که از جنس مجاهدت و معنویت است با تبلیغات و

آموزش حاصل نمی‌شود (خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱۰).

دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دو هدف عمده را دنبال می‌کند: از یک سو معرفی فرهنگ تمدن و ارزش‌های ایران به جهانیان و از سوی دیگر شناخت دقیق و واقعی فرهنگ ملت‌های مختلف (دهشیری، ۱۳۹۳: ۴۰). تبیین ترویج و اشاعه فرهنگ ایرانی - اسلامی در قالب اهداف فرهنگی نیز به دو منظور صورت می‌گیرد: نخست تصویرپردازی و ایماژسازی واقعی و مثبت از کشور و ملت ایران به تصورات کلیشه‌ای نادرست و تلقی‌ات مخدوش از آن را اصلاح نماید. هدف دوم ختنی‌سازی و مقابله با تصویر و تبلیغات منفی که بعضی از کشورها و بازیگران بین‌المللی از جمهوری اسلامی ایران ارائه داده‌اند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۸۲).

در بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی فرهنگ ایدئولوژی و مذهب مهم‌ترین معیارهای تدوین و اجرای دیپلماسی می‌باشند. در بُعد جهت‌گیری‌های کلان قانونی تنظیم سیاست خارجی ایران بر اساس معیارهای اسلام در مقدمه و اصول مختلف قانون اساسی بارها تکرار شده است: اصل دفاع از حقوق تمامی مسلمانان از اصل ۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی منتج شده است. تعهد برادرانه نسبت به تمامی مسلمانان برگرفته از اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی است. ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی و وحدت جهان اسلام در اصل ۱۱ قانون اساسی بیان شده است (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۵۴).

جدول (۱): جهت‌گیری‌های اصلی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	گزاره‌های اجرایی
مؤلفه‌های ارزشی - بینشی	- تبلیغ و ترویج فرهنگ غنی اسلامی و شیعی - هم‌گرایی و وحدت جهان اسلام و اخوت اسلامی - تصویرسازی روشن از رشد علمی، فرهنگی و هنری ایران اسلامی
مؤلفه‌های روشی - برنامه‌ای	- بهره‌برداری متناسب از رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی - بهره‌برداری از قالب‌ها و شیوه‌های هنری - ترجمه متون ادبیات ایرانی و اسلامی
مؤلفه‌های نهادی - سازمانی	- استفاده از ظرفیت نهادهای بین‌المللی - استفاده از ظرفیت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	گزاره‌های اجرایی
	- استفاده از ظرفیت نهادهای زیر نظر آیت‌الله خامنه‌ای
مؤلفه‌های کشگری - کارگزاری	- جذب و به‌کارگیری دیپلمات‌های فرهنگی متخصص و متعهد - بهره‌برداری از ظرفیت ایرانیان مقیم خارج از کشور - بهره‌برداری از ظرفیت فارغ‌التحصیلان

منبع: (گلشن‌آباد و محمدی، ۱۳۹۶: ۲۹)

۷. الگوی نظری آیت‌الله خامنه‌ای

اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و به تبع آن‌ها استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی‌های چند دهه ایشان وجود دارد و قابل مشاهده است. رهبری سه عنصر عزت، حکمت و مصلحت را به‌عنوان اصول سیاست خارجی مطرح نموده‌اند و بیان فرموده‌اند: «حکمت یکی از اصول ما در سیاست خارجی است و در کنار آن مصلحت ما باید حکیمانه و مدبرانه عمل کنیم. چراکه اسلام ما عقلانی است و عقل کاربرد وسیعی در فهم ما تشخیص اهداف و تشخیص ابزارهای ما داراست». همچنین ایشان می‌فرمایند: «دستگاه دیپلماسی با حکمت و منطق مواضع طرف‌های دیگر را به تدریج به مواضع خود نزدیک کند و با تکیه بر حکمت عزت و مصلحت و حفظ عزت ملی و عزت هویتی به وظایف سنگین خود عمل نماید که در این مسیر هیچ‌گونه تسلیم و کوتاهی در مرحله باورها و نه در مرحله عمل نباید وجود داشته باشد». در چهارچوب الگوی فکری ایشان «سفیران فرهنگی جمهوری اسلامی ایران خط مقدم جبهه فرهنگی در عرصه بین‌المللی هستند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱).

دیپلماسی فرهنگی در دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی ریشه در رویکرد ابزاری ایشان به مقاله دیپلماسی فرهنگی جهت مقابله با دشمن در جبهه جنگ نرم دارد. جنگ نرم همان مقابله نرم‌افزاری دشمن در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی است که به عرصه رسانه و فضای مجازی به‌عنوان بستر انتقال معنای و مفاهیم مخرب کشانده شده است. مقابله فرهنگی در برابر ناتوی فرهنگی مستلزم بهره‌گیری از ابزارهای داخلی و خارجی است. سلطه فرهنگی غرب یکی از دلایلی بوده است که انقلاب اسلامی به‌دنبال مقابله با آن بوده است.

آیت‌الله خامنه‌ای مقابله فرهنگی در سطوح مختلف را جزو راهبردهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دانسته‌اند. به نظر ایشان:

«استقلال فرهنگی از همه استقالات‌ها مهم‌تر است جمهوری اسلامی از اول نشان داد که زیر بار فرهنگ مبتدل و فاسد قبلی نخواهد رفت. این نکته را من عرض می‌کنم که سلطه واقعی قدرت‌ها سلطه فرهنگی است، یعنی اگر ملتی بتوانند فرهنگ و باورها و اعتقادات و رسوم و آداب و عادت عادات خود را و در مرحله بالاتر زبان و خط خویش را در ملت دیگر نفوذ بدهد، در آن ملت مسلط است و سلطه او یک سلطه حقیقی است؛ کاری که در دوره‌های از این ۲۰۰ سال گذشته فرانسوی‌ها با کشورهای دیگر کردند، و در یک دوره دیگر انگلیسی‌ها کردند و در این اواخر آمریکایی‌ها انجام دادند؛ یعنی زبان و خط و فرهنگ و روش‌های زندگی خودشان را به هر کشوری که توانستند، صادر کردند. اگر کشوری از لحاظ اقتصادی هم مستقل باشد و وابسته به قدرت‌ها نباشد اما چنانچه قدرت‌های بیگانه بتوانند فرهنگ خودشان را در این کشور نفوذ بدهند، بر آن مسلطند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹/۱/۱۰).

دیدگاه فرهنگی رهبر معظم انقلاب اسلامی در حوزه دیپلماسی فرهنگی را در قالب نگاهی ایجابی، سلبی و یادگیری می‌توان قالب‌بندی نمود. در حوزه دیپلماسی فرهنگی رویکرد ایجابی به انتقال معنای انقلابی و اسلامی اشاره دارد که برخسته از روح انقلابی است و ملت‌های مختلف نیازمند بهره‌گیری از آن‌ها هستند. بعد سلبی به رویکرد مقابله جویانه‌ای اشاره دارد که با استفاده از مبانی فرهنگی و ارزشی انقلابی می‌توان به مقابله با آسیب‌های فرهنگی و تبلیغات مغرضانه غرب پرداخت. ضلع سوم دیدگاه ایشان در ارتباط با دیپلماسی فرهنگی را بحث یادگیری تشکیل می‌دهد. یادگیری از محیط ارتباطات دیپلماتیک در حوزه تعاملات فرهنگی و اخذ نکات و دستاوردهای مثبت آن‌ها کانال جذبی است که همواره مورد تأکید ایشان قرار گرفته است.

۱-۲. ایجابی (انتقال معانی و تأثیرگذاری)

الگوی نظری آیت‌الله خامنه‌ای در دیپلماسی فرهنگی را می‌توان بر سه پایه تقسیم‌بندی نمود: پایه اول، بُعد ایجابی دیپلماسی فرهنگی است. پایه دوم، بُعد سلبی و پایه سوم، بُعد یادگیری را دربرمی‌گیرد. انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی در بهمن ۱۳۵۷ از ذخایر غنی فرهنگی

بالایی برخوردار بوده است و توانایی انتقال این معانی را به دیگر ملت‌های جهان دارد. در قالب دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، فرهنگ انقلابی سرشار از آموزه‌های بلند و عمیق است که توانایی سیراب‌سازی سایر ملت‌ها را دارد. آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی درباره سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله سوم معرفی و ترویج فرهنگ و ارزش‌های والای اسلام به جهانیان را یکی از وظایف مسئولان اعلام کرده‌اند. به نظر ایشان هدف در دیپلماسی فرهنگی ایجاد جذابیت برای یک کشور در اذهان مردم دیگر کشورهای جهان است. یکی از اموری که می‌تواند بر جذابیت انقلاب اسلامی بیفزاید، بیان پیشرفت‌های ایران در عرصه‌های گوناگون از جمله در حوزه‌های علمی است.

انتقال معانی انقلابی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در سخنان ایشان به شکل برجسته‌ای تبیین شده است. در این چهارچوب ایشان اعلام کردند:

«امام نهضت را جهانی می‌دانست و این انقلاب را متعلق به همه ملت‌های مسلمان بلکه غیرمسلمان معرفی می‌کرد. امام از این ابایی نداشت. این غیر از دخالت در امور کشورها است که ما نمی‌کنیم. این غیر از صادر کردن انقلاب به سبک استعمارگران دیروز است که ما این کار را نمی‌کنیم. این معنایش این است که بوی خوش این پدیده رحمانی باید در دنیا پراکنده شود ملت‌ها بفهمند که وظیفه‌شان چیست». (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴/۳/۱۳۸۹).

در دیپلماسی فرهنگی ایجابی مداخله در امور داخلی کشورها امری نادرست و انتقال معانی انقلابی به ملت‌ها جهت بسط ارزش‌های انسانی و اخلاقی مثبت ارزیابی شده است. به نظر آیت‌الله خامنه‌ای معرفی شاخص‌های نرم انقلاب اسلامی به مردم آزاده جهان یکی از وظایف مسئولان دیپلماسی فرهنگی است.

«در زمینه سیاست خارجی باید سعی کنید که همه در دنیا بدانند که ملت و دولت ایران انگیزه و هدفش این است که می‌خواهد با فکر خود با نیروی خود با اراده خود در راه سعادت خود قدم بردارد. معرفی پیشرفت‌های چشم‌گیر علمی ... از وظایف نمایندگان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۱/۱۲/۱۳۸۸).

در دیدگاه ایجابی آیت‌الله خامنه‌ای به موضوع دیپلماسی فرهنگی زبان فارسی یکی از منابع مهم نشر معارف انقلاب اسلامی است. به باور ایشان:

«هرکس به معارف بشری علاقه‌مند باشد باید برای زبان فارسی ارجح و مرتبه‌ای خاص قایل باشد؛ زیرا این زبان پُرطرفیت شیرین زیبا توانسته است بخش عظیمی از مناطق جغرافیایی جهان را تحت تسلط و سیطره معنوی خود درآورد با نفوذ معنوی کارایی شیوایی و قدرت بلاغت خود در دل ملت‌ها جا باز کند و برای آنان فرهنگ دین معرفت و تمدن به ارمغان آورد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۱۲/۱۲)،

مبینی مقدس در پژوهشی به بررسی مفاهیم کلیدی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در نشر افکار انقلاب اسلامی پرداخته است. جدول ذیل خلاصه‌ای از مفاهیم نرم کلیدی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در گسترش معانی انقلابی در جهان است.

جدول (۲): مفاهیم کلیدی در معرفی انقلاب اسلامی در قالب دیپلماسی فرهنگی در جهان

مضمون‌های اصلی	مضمون‌های سازمان دهنده	مضمون فراگیر
معرفی اسلام	معرفی دین ایرانیان (ایران اسلامی)	معرفی ایران
معرفی پیامبر اعظم		
معرفی ماهیت انقلاب اسلامی		
بیان پیشرفت‌های انقلاب		
معرفی میراث فرهنگی معرفتی		

منبع: (مبینی مقدس، ۱۳۹۴: ۹۲)

۲-۷. سلبی (مقابله با اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی)

در پایه سلبی دیپلماسی فرهنگی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای تخریب چهره انقلاب اسلامی توسط دشمنان و مقابله با این سطح از جنگ نرم و عملیات روانی لازم و ضروری است. آیت‌الله خامنه‌ای در این چهارچوب می‌فرماید:

«آنها قصد دارند با ارائه یک چهره مخدوش از نظام جمهوری اسلامی مردم دنیا و علاقه‌مندان به این نظام را بدبین کنند و از تأثیر معنوی و روحی انقلاب اسلامی بکاهند. بر همین اساس مهم‌ترین وظیفه نمایندگان فرهنگی ارائه یک تصویر درست از انقلاب اسلامی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱)، بدخواهان و مستکبران تلاش دارند تا اسلامی را به جهانیان معرفی کنند که یا اسلام متعجر و یا اسلام بی‌خاصیت

لیبرالی باشد درحالی که اسلام واقعی و ناب مورد نظر نظام اسلامی دارای مفاهیم والا عمیق و روشن از انسان خدا جهان آینده و نیازهای مادی و معنوی بشریت است. (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱).

به باور آیت‌الله خامنه‌ای استفاده از ابزارهای نرم قدرت در راستای اهداف ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی قرار دارد. به نظر ایشان امروز تأثیر رسانه‌ها و تلویزیون‌ها و هنرها و این شبکه‌های عظیم اطلاع‌رسانی اینترنتی و... از سلاح و از موشک و از بمب اتم بیشتر است. «امروز دنیا یک چنین دنیایی است. و نیز امروز مؤثرترین سلاح بین‌المللی علیه دشمنان و مخالفان سلاح تبلیغات و سلاح ارتباطات رسانه‌ای است. مبارزه دشمن مبارزه تبلیغاتی است و بوق‌های تبلیغاتی دشمن همه فضاهای ممکن را علیه ملت ایران پُر می‌کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۷/۲).

مقابله رسانه‌ای و طرح مباحث تبیینی و روشن‌گرایانه در قالب برخورد خردمندانه با هجمه‌های نرم‌افزاری غرب با کمک منابع و ابزارهای فرهنگی داخلی در سطح سیاست خارجی و منطقه غرب آسیا، بُعد سلبی دیپلماسی فرهنگی در دیدگاه رهبر انقلاب را تشکیل می‌دهد.

۳-۷. یادگیری (تأثیرپذیری و جذب معانی کاربردی)

مقابله سلبی با جنگ نرم دشمن با استفاده از دیپلماسی فرهنگی یکی از پایه‌های دیپلماسی فرهنگی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای بود. یکی دیگر از پایه‌های دیپلماسی فرهنگی در دیدگاه ایشان بُعد یادگیری و جذب معانی مهم در سطح جهانی به منظور تقویت فرهنگ داخلی است. به باور آیت‌الله خامنه‌ای:

«تبادل فرهنگی فرهنگ کشور را کامل‌تر کرده و نقص‌ها را از بین می‌برد در تبادل فرهنگی قضیه چنین است. ملت فراگیرنده می‌گردد نقاط درست و چیزهایی را که فرهنگ او را کامل می‌کند از دیگران تعلیم می‌گیرد. درست مثل انسانی که ضعیف است و دنبال غذای مناسب می‌گردد. در تبادل فرهنگی هدف بارورکردن فرهنگ ملی و کامل کردن آن است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۵/۲۱).

آیت‌الله خامنه‌ای در ارتباط با پیوند یادگیری با دیپلماسی فرهنگی می‌فرمایند:

«یادگیری و جذب مفاهیم کاربردی در سطح جهانی به معنای وادادگی و پذیرش بدون مبنا و تقلیدی نیست. من می‌گویم ملت ایران نباید خودش را لخت بیندازد تا

دشمن با مدرن‌ترین شیوه‌ها آنچه را که خودش می‌خواهد از تفاله‌های دست دوم فرهنگش به جسم ملت ایران تزریق کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۲/۱۲).

در دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی همان‌گونه که مقابله با جبهه نرم‌افزاری و فرهنگی دشمن امری ضروری و مهم است، خلاصه‌کردن تعاملات دیپلماسی فرهنگی به بُعد سلبی امری نامطلوب است و باز نگاه‌داشتن سایر کانال‌ها از جمله کانال یادگیری و بهره‌گیری از تجارب فرهنگی و سنت‌های اجتماعی سایر ملت‌ها می‌توان نقش مکمل برای دو ضلع دیگر دیپلماسی فرهنگی را بازی کند.



شکل (۴): الگوی دیپلماسی فرهنگی در دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی

نتیجه‌گیری

دیپلماسی فرهنگی یکی از ابزارهای مهم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آید. دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی در کنار دیپلماسی سیاسی و اقتصادی از جهت‌گیری مشخص و نیروهای پیش‌برنده اهداف فرهنگی برخوردار است. آیت‌الله خامنه‌ای در دیدگاه کلان خود نسبت به سیاست خارجی در حوزه مسائل دیپلماسی فرهنگی از زاویه نگاه خاصی برخوردار هستند. به دلیل انقلابی و نرم‌افزاری دانستن جوهره انقلاب اسلامی نزد ایشان تأکید رهبری بر توسعه دیدگاه‌های انقلابی در قالب دیپلماسی فرهنگی بوده است.

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای دیپلماسی فرهنگی سه پایه دارد: پایه اول، بُعد ایجابی و انتقال دهندگی معانی و ارزش‌ها را دربرمی‌گیرد. در این بُعد بهره‌گیری از ذخایر نرم‌افزاری و ارزش‌های والای انقلاب اسلامی به‌منظور نشر و تأثیرگذاری بر اذهان ملت‌های مختلف جهان

و جذب آن‌ها با استفاده از ابزارهای دیپلماسی فرهنگی از اهمیت بالایی برخوردار است. در بُعد سلبی، مقابله با هجمه سنگین ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی با استفاده از ابزارهای نرم قدرت حاضر در دیپلماسی فرهنگی قرار دارد. در این بُعد، عملیات روانی دشمن در جهت تخریب چهره انقلاب اسلامی جنبه تهاجمی پیدا می‌کند. در بُعد سوم، دیپلماسی فرهنگی یادگیری از محیط بین‌المللی قرار دارد. جذب عناصر معنایی مثبت و غنی از فرهنگ دیگر ملل به منظور تقویت ارزش‌های داخلی، بُعد پذیرای دیپلماسی فرهنگی را در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای تشکیل می‌دهد. در این بُعد، تقویت ساختمان فرهنگی جامعه با استفاده از برخی مصالح فرهنگی دیگر ملت‌ها از کانال دیپلماسی فرهنگی قرار دارد.

کتابنامه

- ازدري، ليلا (۱۳۹۶). مدل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات فرهنگ* - ارتباطات، ۱۸(۳۸)، تابستان.
- ازدري، ليلا (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهبرد. *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال هفتم، (۲۸)*، پاییز.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۱۲/۱۱). *بیانات در دیدار با وزیر فرهنگ و ارشاد و نمایندگان فرهنگی ایران در خارج از کشور، رجوع شود به تارنمای الکترونیکی:*
<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=8960>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۷/۱۲/۱۲). *بیانات در دیدار اعضای دومین مجمع بین‌المللی زبان فارسی با رهبر انقلاب، رجوع شود به تارنمای الکترونیکی:*
<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=11454>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۰/۲/۱۲). *بیانات در دیدار با جوانان و فرهنگیان مصلاي رشت، رجوع شود به تارنمای الکترونیکی:*
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3064>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹/۳/۱۴). *بیانات در خطبه‌های نماز جمعه در بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، رجوع شود به تارنمای الکترونیکی:*
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9524>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۱/۵/۲۱). *بیانات در دیدار با وزیر و روسای آموزش و پرورش*

- سراسر کشور، رجوع شود به تارنمای الکترونیکی: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2630>
- خرازی محمدوندی آذر، زهرا (۱۳۸۸). تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر منافع ملی کشورها. مجله مدیریت فرهنگی، سال سوم، (۶)، زمستان.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). وصیت‌نامه سیاسی - الهی. تهران: انتشارات برگ نگار.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳). دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. تهران: علمی فرهنگی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۷). چهارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و سروش، علی (۱۳۹۲). دیپلماسی عمومی در اندیشه سیاسی اما خمینی (رحمت‌الله‌علیه). پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، (۷).
- رنجکش، جواد (۱۳۹۵). دیپلماسی فرهنگی آمریکا در قبال چین ۲۰۱۲-۲۰۰۱. پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال چهارم، شماره بهار و تابستان.
- ستوده، محمد (۱۳۸۸). دیپلماسی نوین فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. در حسین پوراحمدی، دیپلماسی نوین: جستارهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- سیمبر، رضا (۱۳۹۶). انقلاب اسلامی و دیپلماسی فرهنگی: از نظریه تا عمل. فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، (۱۴)، پاییز.
- گلشن‌آباد، محمد و محمد، منوچهر (۱۳۹۶). مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهاردهم، (۵۰)، پاییز.
- گوهری‌مقدم، ابوذر (۱۳۹۳). مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده در عراق جدید. جستارهای سیاسی معاصر، سال پنجم، شماره اول، بهار.
- مبینی مقدس، مجید (۱۳۹۴). سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تقابل با ایران هراسی (با تأکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای). معرفت فرهنگی اجتماعی، سال ششم، (۳)، تابستان.
- میرزائی، حمید (۱۳۹۸). تدوین راهبردهای مدیریت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا. فصلنامه راهبرد، سال بیست و هشتم، (۹۰)، بهار.

میرفخرایی، حسن و فیروزمندی، بندپی (۱۳۹۶). دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز؛ فرصت‌ها و چالش‌ها. *مطالعات اورآسیای مرکزی*، ۱۰(۲)، پاییز و زمستان.

هرسیج، حسین و دیگران (۱۳۸۸). ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال چهارم، (۲)، بهار.

- Agensky, JC. (2017). Recognizing religion: Politics, history, and the 'long 19th century'. *European Journal of International Relations*, (23), 729-755. Google Scholar, SAGE Journals, ISI
- Cown, Geoffrey & Nicholas, J. Cull (2009). *Public Diplomacy in a Changing World*.
- Gass, R. H. & Seiter, J. S. (2009). *Credibility and public diplomacy*. Routledge handbook of public diplomacy: 154-165.
- Henrikson, Alan K. (2007). *Niche Diplomacy in the World Public Arena*. New York.
- Leonard, Mark & Stead, Catherine (2002). *Public Diplomacy*, Foreign Policy Center, London.
- Malone, G. D. (1988). *Political advocacy and cultural communication: organizing the nation's public diplomacy*. University Press of America.
- Melissen, J. (2007). *The New Public Diplomacy: Between Theory & Practice*. second. London: Palgrave Macmillan.
- Ninkovich, F. (1996). *U.S. Information Policy and Cultural Diplomacy*. Foreign Policy Association.
- Ninkovich, Frank (1993). *US. Information Policy and Cultural Diplomacy*, Washington DC: Foreign Policy Association.
- Nye, Joseph S. (2002). *The Paradox of American Power*. Why the World's Only Superpower can't Go it Alone, Oxford, Oxford University Press 2002; Julia Hanna, "Going Alone?", Kennedy School Bulletin, Spring 2002.
- Pudarth, Santosh Kumar (2017). *Nation Rebranding Through a New Approach to Cultural Diplomacy: A Case Study of Mauritius*. journals.sagepub.com/home/sgo, April-June 2017: 1-13, Sage Publication.